

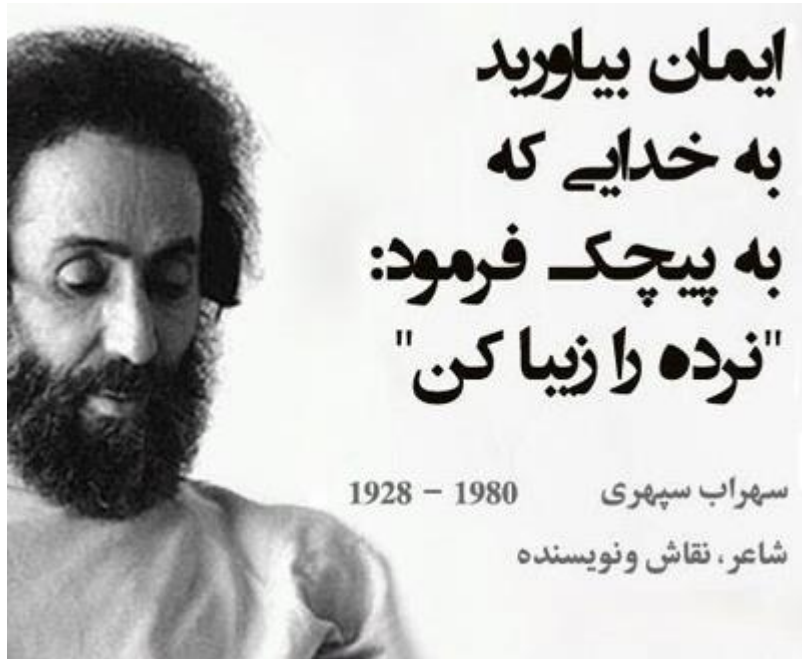
**Course Title: Analytical Study of Contemporary Persian
Literature**

Ph.D. Session 2019 -2024

Course Code: 705

Credit Hrs :03

8- زندگینامه سهراب سپهری



خلاصه "زندگینامه سهراب سپهری"

سهراب سپهری (۱۵ یا ۱۴ مهر ۱۳۰۷ قم - ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ تهران) شاعر، نویسنده و نقاش اهل ایران بود. او از مهم ترین شاعران معاصر ایران است و شعرهایش به زبان های بسیاری از جمله انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است

سهراب سپهری، در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷، در قم، به دنیا آمد. پدر بزرگش میرزا نصرالله خان سپهری نخستین رئیس تلگرافخانه کاشان بود. پدرش اسدالله و مادرش ماه جبین نام داشتند که هر دو اهل هنر و شعر بودند

پدر سهراب، اسدالله سپهری، کارمند اداره پست و تلگراف کاشان، اهل ذوق و هنر بود. وقتی سهراب خردسال بود، پدر به بیماری فلج مبتلا شد و در سال ۱۳۴۱ درگذشت. مادر سهراب، ماه جبین، که اهل شعر و ادب هم بود، در خرداد سال ۱۳۷۳ درگذشت. منوچهر سپهری، برادر ارشد سهراب و تنها برادر وی که همبازی دوران کودکی سهراب بود نیز در سال ۱۳۶۹ درگذشت. او سه خواهر به نام‌های همایون‌دخت، پری‌دخت و پروانه سپهری دارد

دوره کودکی سپهری در کاشان گذشت. سهراب دوره شش ساله ابتدایی را در دبستان خیام این شهر گذرانید

دوره ی ابتدایی را در دبستان خیام کاشان (۱۳۱۹)، و متوسطه را در دبیرستان پهلوی کاشان گذراند و پس از فارغ التحصیلی در خرداد ۱۳۲۲ در دوره ی دوساله ی دانش سرای مقدماتی پسران، به استخدام اداره ی فرهنگ کاشان درآمد. در شهریور ۱۳۲۷ در امتحانات ششم ادبی شرکت نمود و دیپلم دوره دبیرستان خود را دریافت کرد. سپس به تهران آمد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و همزمان به استخدام شرکت نفت در تهران درآمد که پس از ۸ ماه استعفا داد

سپهری در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه ی شعر نیمایی خود را به نام مرگ
رنگ منتشر کرد. در سال ۱۳۳۲ از دانشکده هنرهای زیبا فارغ التحصیل شد
و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد. در همین سال در چند نمایشگاه
نقاشی در تهران شرکت نمود و نیز دومین مجموعه ی شعر خود را با عنوان
زندگی خواب ها منتشر کرد. در آذر ۱۳۳۳ در اداره ی کل هنرهای زیبا
(فرهنگ و هنر) در قسمت موزه ها شروع به کار کرد و در هنرستان های
هنرهای زیبا نیز به تدریس می پرداخت

سپهری دهه اول و دوم زندگی خویش را به فراگیری علم و هنر گذراند. دهه سوم زندگی اش را به کسب تجربه و سفر پرداخت و دهه چهارم زندگی خویش را بیشتر به سفرهای دراز اختصاص داد. در این دوره بود که بارها به کشورهای ژاپن، فرانسه، ایتالیا، هندوستان، آمریکا، و بسیاری دیگر از کشورهای شرق و غرب سفر کرد. سفرهای وی در اصل سیر و سلوک معنوی بود. این دیدگاه خاص او از سفر بویژه سفر به کشورهای شرق آسیا و آشنایی با ادیان هند و بودا شعر او را تحت تاثیر قرار داد. سپهری در این دوره به عنوان شاعری صاحب سبک، دوستداران زیادی داشت. سهراب هیچگاه ازدواج نکرد

سهراب به فرهنگ مشرق زمین علاقه خاصی داشت و سفرهایی به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین داشت. مدتی در ژاپن زندگی کرد و هنر «[حکای روی چوب](#)» را در آنجا فراگرفت. همچنین به شعر کهن سایر زبان‌ها نیز علاقه داشت؛ از این رو ترجمه‌هایی از شعرهای کهن چینی و ژاپنی انجام داد

در مرداد ۱۳۳۶ از راه زمینی به کشورهای اروپایی سفر کرد و به پاریس و لندن رفت. ضمناً در مدرسه هنرهای زیبای پاریس در رشته لیتوگرافی نامنویسی کرد. در دورانی که به اتفاق حسین زنده‌رودی در پاریس بود بورس تحصیلی‌اش قطع شد و برای تأمین خرج‌های زندگی و ماندن بیشتر در فرانسه و ادامه نقاشی، مجبور به کار شد و برای پاک کردن شیشه آپارتمان‌ها، گاهی از ساختمان‌های بیست طبقه آویزان می‌شد

وی همچنین کارهای هنری خود را در نمایشگاه‌ها به معرض نمایش می‌گذاشت. حضور در نمایشگاه‌های نقاشی همچنان تا پایان عمر وی ادامه داشت. سهراب سپهری مدتی در اداره کل اطلاعات وزارت کشاورزی با سمت سرپرست سازمان سمعی و بصری در سال ۱۳۳۷ مشغول به کار شد

از مهر ۱۳۴۰ نیز شروع به تدریس در هنرکده هنرهای تزیینی تهران نمود. پدر وی که به بیماری فلج مبتلا بود، در سال ۱۳۴۱ فوت کرد. در اسفند همین سال بود که از کلیه مشاغل دولتی به کلی کناره‌گیری کرد. پس از این سهراب با حضور فعال‌تر در زمینه شعر و نقاشی آثار بیشتری آفرید و راه خویش را پیدا کرد. وی با سفر به کشورهای مختلف ضمن آشنایی با فرهنگ و هنرشان نمایشگاه‌های بیشتری را برگزار نمود

در سالیان آغازین دهه ۱۳۴۰ سپهری همراه داریوش آشوری به ترجمه پاره‌هایی از مقالات و نمایشنامه‌های ژاپنی از روی نسخه فرانسوی کمک کردند که در سال ۱۳۴۳ در کتاب نمایش در ژاپن بهرام بیضایی چاپ شد

سهراب هنرمندی جستجوگر، تنها، کمال طلب، فروتن و خجول بود که دیدگاه انسان مدارانه‌اش بسیار گسترده و فراگیر بود. از این رو آثار وی همیشه با نقد و بررسی‌هایی همراه بوده‌اند. برخی از کتاب‌های او چنین می‌باشند: «تا انتها حضور»، «سهراب مرغ مهاجر» و «هنوز در سفرم»، «بیدل، سپهری و سبک هندی»، «تفسیر حجم سبز

اولین شعر سپهری

سپهری در سال های کودکی شعر هم می گفت، یک روز که به علت بیماری در خانه مانده و به

مدرسه نرفته بود با ذهن کودکانه اش نوشت

ز جمعه تا سه شنبه خفته نالان

نکردم هیچ یادی از دبستان

ز درد دل شب و روزم گرفتار

مجموعه آثار سهراب سپهری

آثار منظوم سهراب : هشت کتاب، مرگ رنگ، زندگی خواب ها، آوار آفتاب، شرق اندوه،

صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، ما هیچ ما نگاه، آوار کتاب، زندگی خواب ها

آثار منثور سهراب سپهری : اتاق آبی

سبک شعر سهراب سپهری

سهراب سپهری شاعری تصویرگراست

سپهری از جمله شاعران معاصر است که شناخت درست و کافی با شعر و سبک نیما داشت. در عین پیروی از سبک نیما، خود صاحب سبک و خلاق بود. و خلاقیت سهراب در بیشتر در استفاده بدیع از رنگ و کلمه بوده است. سهراب سپهری شاعری تصویرگراست و این جنبه از شعر سهراب با طبیعت گرایی او مرتبط است؛ ضمن این که دیدگاه عارفانه دارد و خدا را در طبیعت جستجو می کند. اما آشنایی نداشتن با نمادها و رمز های شعری سهراب سپهری ابهاماتی را برای خوانندگان ایجاد می کند. شعر سهراب چون نقاشی او رنگارنگ است. وی در شعرش نگران انسان و سرنوشت اوست. او همه را به نگرستن دقیق تر در پیرامون خود و به جهانی برتر دعوت می کند. همه ی اشیا برای او حیات دارند و این اشیا دارای روح و احساس هستند

نقاشی 5 میلیاردی سهراب سپهری

سپهری در طول عمر خود بیش از 30 نمایشگاه نقاشی برگزار کرد، نقاش‌هایی او متمرکز بر طبیعت است که حالا در برخی موزه‌های مشهور جهان نگهداری می‌شود

در 9 مهر 1397 یکی از تابلوهای نقاشی او در حراج تهران توسط فرد ناشناسی به قیمت 5 میلیارد و 100 میلیون تومان خرید شد

درگذشت سهراب سپهری

سهراب سپهری در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان خون مبتلا شد و به همین سبب در همان سال برای درمان به انگلستان رفت، اما بیماری بسیار پیشرفت کرده بود و وی ناکام از درمان به تهران بازگشت. او سرانجام

در غروب ۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ در بیمارستان پارس تهران به علت ابتلا به بیماری سرطان خون

درگذشت. صحن امامزاده سلطان علی بن محمد باقر روستای مشهد اردهال واقع در اطراف کاشان میزبان ابدی

سهراب گردید

در ابتدا یک کاشی فیروزه ای در محل دفن سهراب سپهری نصب شد، و سپس با حضور خانواده وی سنگ سفید رنگی جایگزین آن گردید که بر روی آن قسمتی از شعر «واحه ای در لحظه» از کتاب حجم سبز با خطاطی رضا مافی حکاکی شده بود

به سراغ من اگر می آید

نرم و آهسته بیاید

مبادا که ترک بردارد

چینی نازک تنهایی من

این سنگ در مهر ۱۳۸۴ با بی‌دقتی کارگران و به علت سقوط مصالح ساختمانی بر روی آن شکست و با سنگ سفید رنگ دیگری که سعی شده بود با سنگ قبلی شباهت داشته باشد تعویض شد در ۲۹ اسفند ۱۳۸۷، سنگ بزرگتر سیاه‌رنگی بر روی سنگ سفید نصب گردید